

پیش‌خوانی

نظری و گذری بر یادمان نوانتشار آیت‌الله‌العظمی سید محمد تقی خوانساری نمادی از تلفیق «فقاقت» و «جهاد»

■ علی احمدی فراهانی



در اثری که در این مجال به معرفی آن پرداخته‌ایم، سخن از یکی از نامدارترین و درخشان‌ترین چهره‌های روحانیت شیعه است. مرحوم حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج سیدمحمدتقی خوانساری(قدس‌الله‌اسراره) در زمرهٔ آن طیف‌از عالمان مبرز معاصر است که دانش و فرز‌انگی را با جهاد در آمیخت و در یکی از مهم‌ترین کارزارهای مردم مسلمان عراق بااستعمار انگلستان، حضوری نمایان داشت. سوگمندها باید اذعان کرد که دربارہ این شخصیت بزرگ، پژوهشی درخور صورت نگرفته و این عرصه همچنان، همت بلند پژوهشگران متعهد و دانش‌را می‌طلبد. اخیراً «مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران» برای طیف سنی جوانان، یادم‌نی مختصر برای آن بزرگوار منتشر ساخته و در حد خویش، یادوی را گرمی داشته‌است. شکرالله‌اسدی میرهن آفریننده این اثر در مقدمه آن آورده‌است:

«روحانیت و مرجعیت شیعه نهادی برخاسته از متن مردم و تکیه‌زده بر مبانی دینی است که پاسداری از مرزهای اعتقادی و نیز عزت مسلمین و سرزمین‌های اسلامی و دفاع از مظلومین را بر خود فرض می‌داند. از این رو در تاریخ سراسر بر ماجرای روحانیت شیعه، درگیری با استبداد حاکمان و نیز تعدیات بیگانگان و کفار جلوه و پی‌زهای دارد که البته شامل عرصه‌های فرهنگی، سیاسی، اعتقادی، نظامی و اقتصادی در کنار نشر معارف دینی در بین توده‌های مردم است.از این حیث روحانیت شیعه پویاترین نهادی است که با تکیه بر ظرفیت‌های دینی در جبهه‌های متعدد و گسترده‌ای مبارزه می‌کند. بنابراین شناخت این نهاد می‌تواند ما را در استفاده بهینه از ظرفیت بزرگ و مؤثر در پاسداری از مرزهای سیاسی و اعتقادی یاری کند. این شناخت همچنین می‌تواند موجب مستحکم‌تر شدن مؤلفه‌های هویت‌ساز در شکل‌دادن به شخصیت نسل جوان جامعه



۱۳۳۹. عیادت آیت‌الله‌سیدابوالقاسم کاشانی از آیت‌الله سیدمحمدتقی خوانساری در یکی از بیمارستان‌های تهران

ما شادو اثری که اکنون به همت مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران از تقدیم علاقه‌مندان می‌شود گام کوچکی در راستای معرفی چهره‌ای درخشان از سلسله جلیله مرجعیت شیعه‌است. شخصیتی که پس از بالیدن در مکتب تشیع در هنگامه‌ای که استعمار قصد نابودی بین‌النهرین و الحاقی آن به هند بر بنیان را داشت به دلیل دست‌اندازی به یک کشور اسلامی و طمع به سرزمینی که ناموس شیعه (عقبات عالیات) در آن قرار داشت به جهاد با دشمن سفاک برخاست و ضمن جهاد، چهار سال اسارت در اردوگاه‌های دشمن را نیز به جان خرید و تا مرز شهادت پیش رفت. سپس با آزادی از زندان انگلیسی‌ها و در دوره سیاه دیکتاتوری رضاخانی به تقویت حوزه در کنار آیت‌الله‌عظمی حائری یزدی پرداخت تا ظرفیت مباره با استبداد و استعمار را بالا ببرد. در عین حال به مقابله با کشف حجاب و چهارمجلس‌ضدفرهنگی پهلوی پرداخت. در آن سال‌های اشغال ایران توسط متفقان و خشکسالی، آن سال‌ها نماز باران خالصانه آیت‌الله خوانساری که منجر به نزول باران رحمت الهی بر این سرزمین شد، قدرت نهایی معنوی‌ای بود که جایگاه مرجعیت شیعه را به رخ اشغالگران و عوامل داخلی آنها کشید. حضور مؤثر این عالم بزرگ شیعه در مبارزات ملی شدن نفت در ایران نشان داد که ذره‌ای از استعمارستیزی این عالم دینی به رغم گذر زمان و چسبیدن اسارت در اردوگاه انگلیسی‌ها کاسته نشده‌است. آیت‌الله خوانساری شخصیت جامعی داشت. شجاعت، دیانت، علم، صداقت، وفاداری، استقامت و پایداری، عبادت و

تقوا؛ از وجوه شخصیتی ایشان بود. یکی از بزرگ‌ترین مشخصه‌های زندگی آیت‌الله خوانساری در تاریخ‌اقامه نماز استسقا(نماز باران) توسط ایشان است. نماز باران در اوضاع ویژه وحسوی نیروهای متفقین مجتمع از نیروهای انگلیسی، روسی و امریکایی در قم نگاه‌ها را به یکباره متوجه عالمی روحانی و شخصیتی ربانی از پیشوایان مذهبی شیعه در حوزه علمیه قم کرد. اکنون در گرم‌ماگرم بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی بررسی علم ارباب عالم‌نی نظیر آیت‌الله‌عظمی خوانساری که عمر خود را در جهاد علمی، سیاسی و فرهنگی در راه اعتلای اسلام، تشیع و صیانت از سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران اسامی صرف کردند ضمن آشنا ساختن نسل جوان ایرانی و مسلمانان با چنین ذخایر ارزشمندی روشنگر راه‌ما در مسیر مبارزه باستکبار و ریشه‌کن کردن آن از سرزمین‌های اسلامی است. به امید چنان روزی و فرا رسیدن فرج‌نهایی در سایه ظهور منجی موعود».

عاریچ

کتب و کوفه ۸۸۴۹۸۴۹۹



« شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم در عرصه مبارزات سیاسی »

در گفت‌وشنود با حجت‌الاسلام‌والمسلمین احمد سالک

امام می فرمود:

آقای حکیم مهمان ماست

■ احمد رضا صدری

سال‌روز شهادت عالم مجاهد آیت‌الله سید محمدباقر حکیم، فر صفتی پهنگام است که درباره سیره سیاسی و مبارزاتی آن بزرگ – که با بازگویی بخش‌هایی از تاریخ معاصر عراق ملایم است – سخن رود. در گفت‌وشنودنی که پیش رو دار بدید، حجت‌الاسلام‌والمسلمین احمد سالک کاشانی نماینده رهبر معظم انقلاب درباره مسائل عراق در دوران ریاست جمهوری و نیز از همکاران شهید آیت‌الله حکیم، به بازگویی پی‌زهای از تحلیل‌ها و خاطرات در خویش در این باره پرداخته است. امید آنکه مقبول افتد.

■ ■ ■

به عنوان اولین سؤال ، شما از چه مقطعی

و چگونه با شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم آشنا شدید؟

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین. آشنایی من با خانواده این شهید بزرگوار، پس از آن تحال حضرت آیت‌الله‌العظمی بروجردی بود. من در آن زمان در دبیرستان تحصیلی می‌کردم و پدرم به جای آیت‌الله‌العظمی بروجردی، آیت‌الله‌عظمی سیدمحسن حکیم، پدر بزرگوار این شهید را به عنوان مرجع تقلید معرفی کردند.

چه شد که مقلد حضرت امام شدید؟

یک سنال پس از آنکه از آقای حکیم تقلید کردم، نهضت امام شروع شد و من به این جریان پیوستم و مقلد حضرت امام شدم که تا زمان ارتحال ایشان پابرجا بود.

نگاه آیت‌الله‌العظمی سیدمحسن حکیم به نهضت امام خمینی(ره) و قیام ۱۵ خرداد ۴۲ چگونه بود؟

من آن موقع در نجف اشرف نبودم، ولی شهیدمادم که آیت‌ایشان از نهضت امام حمایت و در این‌باره اطلاعیه‌هایی نیز صادر کردند. آیت‌الله‌سیدمحسن حکیم از شخصیت‌های استعماری عراق بود که در جریان قیام همگانی سال ۱۹۲۰ علیه استعمار انگلیس که می‌خواستند عراق را اشغال کنند، در کنار مبارزان ایستاد.از سوی دیگر، حرکت دینی و فرهنگی آیت‌الله حکیم در برابر کمونیست‌ها، تأثیرات نمایانی در فضای این کشور نهاد.

آشنایی نزدیک شما با شهید آیت‌الله حکیم مربوط به چه سال‌هایی است؟

تقوا؛ از وجوه شخصیتی ایشان بود.

یکی از بزرگ‌ترین مشخصه‌های زندگی آیت‌الله خوانساری در تاریخ‌اقامه نماز استسقا(نماز باران) توسط ایشان است. نماز باران در اوضاع ویژه وحسوی نیروهای متفقین مجتمع از نیروهای انگلیسی، روسی و امریکایی در قم نگاه‌ها را به یکباره متوجه عالمی روحانی و شخصیتی ربانی از پیشوایان مذهبی شیعه در حوزه علمیه قم کرد. اکنون در گرم‌ماگرم بیداری اسلامی در کشورهای اسلامی بررسی علم ارباب عالم‌نی نظیر آیت‌الله‌عظمی خوانساری که عمر خود را در جهاد علمی، سیاسی و فرهنگی در راه اعتلای اسلام، تشیع و صیانت از سرزمین‌های اسلامی به‌ویژه ایران اسامی صرف کردند ضمن آشنا ساختن نسل جوان ایرانی و مسلمانان با چنین ذخایر ارزشمندی روشنگر راه‌ما در مسیر مبارزه باستکبار و ریشه‌کن کردن آن از سرزمین‌های اسلامی است. به امید چنان روزی و فرا رسیدن فرج‌نهایی در سایه ظهور منجی موعود».

شایسته و خوبی را از دست دادیم. مشکل دیگر حدود ۴میلیون پناهنده عراقی به جمهوری اسلامی بود که رسیدگی به آنها هزینه‌های سنگینی را به کشور ما تحمیل می‌کرد. چشم همه این ۲میلیون آواره عراقی به مجلس اعدای انقلاب اسلامی عراق بود که پاسخ به نیازهایشان واقعاً‌شوار بود. آن هم در شرایطی که کشور خود ما درگیر جنگ بود و مشکلات اقتصادی فراوانی داشت.

چه ویژگی‌هایی در شخصیت شهید آیت‌الله حکیم بود که برای شما جذاب می‌نمود؟

بنده شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم را مردی فاضل، عالم، مجاهد، دلسوز، پر تلاش و متخلق به اخلاق الهی و اسلامی دیدم. خانواده حکیم بیش از ۶۴ شهید در راه اسلام داده است. ایشان واقعاً تجلی مجموعه ارزش‌هایی بود که این شهدا آفریدند. این همه شهید حکیم هرگز در بین خانواده‌ها شهدای عراقی تبعیض قائل نمی‌شد و کسی را به دیگری برتری نمی‌داد، این از فضایل شاخص و نمایان در منش آن بزرگوار بود.

تحلیل شما از گرا ایشات سیاسی ایشان چگونه است؟ چون در این زمینه تحلیل‌های گوناگونی وجود دارد.

ایشان از طرف رژیم بعث عراق، به شدت زیر فشار



حجت‌الاسلام‌والمسلمین احمدسالک

اشاره کردید به علل هماهنگی نکردن و وحدت گروه‌های معارض عراقی. به نظر شما علت این امر چه بود و به چه تأنجیحی انجامید؟

علت اول، این است که جریانات سیاسی مدعی در عراق زیاد بودند. از جمله سازمان امل، حزب الدعوة، گروه‌های کرد، اهل سنت و ترک‌من‌ها. حدود ۲۱ گروه و تشکیلاتی ساخته بود. ایشان همواره فعال بودند و هر یک بر اساس برنامه و اساسنامه خودشان حرکت می‌کردند و مهم این بود که دیگری را هم قبول نداشتند! منتها چون در ایران اقامت داشتند، مجبور بودند بر اساس مصالح و راهکارهای جمهوری اسلامی عمل کنند. غیر از اینکه ترکیب مجلس اعلا بر اساس خواسته جریانات عراقی شکل گرفت، نیاز جمهوری اسلامی ایران هم بود که می‌خواست با یک نهاد عراقی با هویت مشخص سر

درد

ایشان مدیر مدیبر و برنامه‌ریز ورزیده‌ای‌بود و تلاش دائمی و ار تباط با محافل نظامی و فرهنگی و شخصیت‌های مهم سیاسی، از ایشان یک انسان منظم و تشکیلاتی ساخته بود. ایشان همواره حقوق دیگران را رعایت و از بر خورد‌های جناحی به شدت پرهیز می‌کرد. در واقع ساختار تشکیلات مجلس اعلا بود که از ایشان انسانی تشکیلاتی ساخت و اگر زنده می‌ماند، بی تردید در آینده عراق مصدر حکومت می‌شد

و کار داشته باشد. اما هر کدام از گروه‌ها و احزاب فعال عراقی در داخل مجلس اعلا برای خودشان ادعایی داشتند.

علت دوم، این بود که برخی از این گروه‌ها و احزاب معارض، مایل نبودند زیر چتر یک فرد حضور داشته باشند و گاهی همت نامرئی را بر انحصارطلبی با رعایت شهید حکیم می‌زدند که واقعاً از شخصیت ایشان بسیار دور بود.

علت سوم، انشعاب‌های مستمری بود که در داخل خود این گروه‌ها انشفاق می‌افتاد که آثار بسیار منفی‌ای بر مردم عراق می‌گذاشت. از جمله در حزب الدعوة چندین بار انشعاب روی داد. درگیری‌های داخلی در گروه‌های عراقی، باعث شد که وحدت لازم را برای مبارزه با صدام نداشته باشند و آسیب‌پذیر شوند.

در مجلس اعلا گروه‌های سنی هم حضور داشتند. کار کرد این گروه‌ها را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

گروه‌های اهل سنت کردستان، از جمله حرکت اسلامی کردستان به رهبری آقای زرنجی و مرحوم شیخ‌علی بیاره شخصیت مبارز کردستان عراق در مجلس اعلا حضور داشت. اینها واقعاً منصف و بی‌طرف بودند و ربطی به گروه‌های سنی متعصبی که با صدام همکاری می‌کردند، نداشتند.

اهداف مجلس اعلا چه مواردی بود و این نهاد چه دستاوردی برای مردم عراق داشت؟

اولین هدف از تشکیل مجلس اعلا، مبارزه با صدام بود و بر همین اساس حرکتی نظامی شروع شد و قالب اطاعت از دستورات حضرت امام شکل گرفته بود و در واقع ایشان تابع امام و پس از آنحال ایشان، تابع مقام معظم رهبری بود. پشتوانه چنین مواضع اصولی و ارزشمندی، پیشینه خاندانی آن بزرگوار بود. همگان بر این امر واقفند که خاندان حکیم از نظر علم و فضیلت و شرف و روحانیت، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

از نگاه حضرت امام به ایشان بگویید. در این مورد، چه مواردی را به خاطر دارید؟

شهید آیت‌الله سیدمحمدباقر حکیم و عراقی‌ها مهمان جمهوری اسلامی بودند. امام هم در این باره، همین را می‌فرمودند که تعبیر بسیار لطیف و ظریفی است.

شهید حکیم در میان مردم عراق از محبوبیت بالایی برخوردار و دارای پایگاه اجتماعی ارجمندی بود. در شرایط جنگ و فشاری که صدام به مرجعیت شیعه و شیعیان پیرو آنها وارد می‌کرد، مردم عراق به خاندان حکیم عشق می‌ورزیدند و هر شهروند عراقی که از عراق اخراج می‌شد، در تهران یا در قم، به دفتر و خانه شهید حکیم پناه می‌آورد و این خانه و دفتر، در واقع مأمن مردمی شده بود که صدام آنها را از عراق اخراج کرده و خانه و کاشانه‌شان را از آنها گرفته بود.

شهید حکیم رئیس مجلس اعدای انقلاب اسلامی عراق بود که از نظر جمهوری اسلامی در واقع، حکومتی داشت. یعنی جمهوری اسلامی در واقع، عراق بود که از نظر جمهوری اسلامی، مقبولیت حکومتی داشت. یعنی جمهوری اسلامی در واقع، عراق بود که از نظر جمهوری اسلامی در واقع، شخصیت‌های مجلس اعلا را رابط خود و عراقی‌های مقیم ایران می‌دانست بنابراین شهید حکیم از ابعاد مختلف، جایگاه مشروعیت ویژه‌ای داشت.

غیر از جمهوری اسلامی، دیگر کدام کشورها این مجلس را به رسمیت می‌شناختند؟

آقای حافظ اسد رئیس جمهور سوریه، آقای نبیه‌بری رئیس پارلمان لبنان، آقای سیدعباس موسوی دبیر کل حزب‌الله و برخی از دولت‌های شیخ‌نشین حاشیه خلیج‌فارس که آشنایی دیرینه با خاندان حکیم داشتند. شهید در کشورهای عربی پایگاه اجتماعی بالایی داشت. همچنین برخی از دولت‌های عربی ایشان را قبول داشتند و همین مقبولیت، برای مجلس اعلای انقلاب اسلامی عراق اعتبار زیادی را به همراه آورده بود.

اشاره کردید به علل هماهنگی نکردن و وحدت گروه‌های معارض عراقی. به نظر شما علت این امر چه بود و به چه تأنجیحی انجامید؟

علت اول، این است که جریانات سیاسی مدعی در عراق زیاد بودند. از جمله سازمان امل، حزب الدعوة، گروه‌های کرد، اهل سنت و ترک‌من‌ها. حدود ۲۱ گروه و تشکیلاتی ساخته بود. ایشان همواره فعال بودند و هر یک بر اساس برنامه و اساسنامه خودشان حرکت می‌کردند و مهم این بود که دیگری را هم قبول نداشتند! منتها چون در ایران اقامت داشتند، مجبور بودند بر اساس مصالح و راهکارهای جمهوری اسلامی عمل کنند. غیر از اینکه ترکیب مجلس اعلا بر اساس خواسته جریانات عراقی شکل گرفت، نیاز جمهوری اسلامی ایران هم بود که می‌خواست با یک نهاد عراقی با هویت مشخص سر

روزنامه جوان | شماره ۵۱۸۳

لحظه‌ای که وارد ایران شد تا ریاست مجلس اعلا و تا سرنگونی رژیم حزب بعث، از مون‌های زیادی را پشت سر گذاشت و همایش‌های متعددی را برای بررسی سرنگونی رژیم صدام بر گزار کرد. بنده در چند تا از این همایش‌ها شرکت کردم. یکی در شهر آزاد شده فاو و دیگری در شهر صلاح‌الدین در منطقه کردستان عراق بود. نفس وجود چنین نیروی منسجم و دارای فکری، به موازات ضعیف شدن حکومت صدام، موجب شده بود که دنیا روی آن حساب کند و نتواند آن را نادیده بگیرد. چه تفاوتی بین شیعیان عراق و ایرانیان هست که با این همه تلاش امثال شهید آیت‌الله حکیم و دیگران، آن گونه که باید موفق به ایجاد تأثیرات شگرف نشده‌ند، در حالی که شیعیان ایران با زهبری امام رژیمی ۲۵۰۰ ساله را ساقط کردند؟

روحیه عراقی‌ها با ایرانی‌ها و لبنانی‌ها خیلی فرق می‌کند. عراقی‌ها سخت و تاحدی تأثیر ناپذیر هستند بنابراین باید با شیوه‌های خاصی با آنها کار کرد. اگر کسی عراقی‌ها را شناسد، موقعی که دارند با هم حرف می‌زنند، احساس می‌کنند دارند با هم دعوای می‌کنند! شهید آیت‌الله حکیم تلاش می‌کرد با پیروی از دستورات امام و مقام معظم رهبری، ساختار فکری عراقی‌ها را برای حکومت آینده بسازد. ایشان به مرور زمان آبدیده و تبدیل به فردی سیاستمدار، تشکیلاتی و حکومتی شده بود. ایشان استعدادها و توانایی‌های زیادی داشت بنابراین خیلی زود توانست نه تنها بین مردم عراقی که در کشورهای همسایه هم جایگاه ویژه‌ای پیدا کند. حتی امریکایی‌ها هم روی ایشان و مجموعه تحت مدیریتش، حساب خاصی را باز می‌کردند. امریکایی‌ها قبل از حمله به عراق برای سرنگونی صدام تلاش زیادی کردند که با شهید آیت‌الله حکیم ملاقات کنند. مجلس اعلا جلساتی را هم تشکیل داد و قرار بود بعضی از اعضای مجلس اعلا برای مذاکره با امریکایی‌ها آن کشور شوند، اما اتحادیه مهینی کردستان عراق به ریاست آقای جلال طلبانی، خودسرانه و بدون هماهنگی با مجلس اعلا، با امریکایی‌ها وارد مذاکره شد. آقای سیدعبدالعزیز حکیم به نمایندگی مجلس اعلا با امریکایی‌ها مذاکره کرد، اما شهید آیت‌الله حکیم از مذاکره مستقیم با امریکا باز مییز داشت.

اشاره کردید که شهید آیت‌الله حکیم از سوی جریاناتی تحت فشار بود. این جریانات کدامین احزاب و افراد بودند؟

رژیم عراق، در برخی از محافل بین‌المللی و بعضی از گروه‌های معارض عراقی از جمله گروه‌هایی بودند که گاهی مزاحم فعالیت و نقش‌آفرینی این بزرگوار می‌شدند، اما ایشان به دلیل اعتقادات عمیق دینی و مخصوصاً توجه خاص شیعه به حضرت اباعبدالله(ع) داشت، لحظه‌ای تزلزل به خود راه نداد و تا آخر محکم و استوار بر سر اعتقادات خود باقی ماند. ایشان صبر و تحمل بسیار بالایی داشت. واقعاً امید عراقی‌ها بود. آیت‌الله حکیم هنگام عملیات‌های دفاع مقدس، به جبهه می‌رفت و گاهی در قرارگاه‌ها فرماندهی می‌کرد ایشان با شرکت در جبهه‌ها روحیه می‌گرفت. به روزندگان عراقی روحیه می‌داد. عده زیادی از اسرای عراقی که توبه کرده و به سپاه بدر پیوسته بودند، چشم امیدشان به ایشان بود و واقعاً به ایشان عشق می‌ورزیدند. عده‌ای هم پس از آزاموزی تکبیک‌های جنگی، به جبهه برمی‌گشتند و با صدام می‌جنگیدند.

تصویر و تصور ایشان از حکومت آینده عراق چه بود؟

ایشان تصویر روشنی از آینده عراق داشت و اصولاً از قدرت آینده‌نگری بسیار بالایی برخوردار بود. ما بارها با ایشان درباره حکومت و ارتش و سرنوشت آینده عراق جلسه گذاشتیم و بحث کردیم. در این زمینه دیدگاه روشنی داشت و می‌گفت: روزگار بر زحمتی را پیش رو داریم و پس از سرنگونی صدام، دچار گرفتاری‌های زیادی خواهیم شد. در عین حال بسیار خوش‌بین و معتقد بود که حکومت آینده عراق شیعی خواهد بود. شهید حکیم ضد استکبار و دشمن شناس بود، به همین دلیل هم دشمنان داخل و خارج نمی‌توانستند تملش کنند. اعتقالات بی‌ظنبری که در هنگام ورود ایشان به عراق به عمل آمد، همه دشمنان را به وحشت انداخت و آنها کاملاً مرد عرصه سیاست در آینده را شناختند و تصمیم گرفتند او را از سر راه بردارند.

در انتهای این گفت‌وگو وبه عنوان حسن ختام، خاطر‌های را از شهید آیت‌الله حکیم نقل کنید.

در دوران جنگ تحمیلی از ایشان خواستم همراه عده‌های از اعضای مجلس اعلا، از منطقه آزاد شده فاو بازدید کنند. ایشان قبول کرد. من در آنجا گفتم: «آن‌شاءالله با وجود شما، یک امامزاده در عراق درست کنیم!» آقای عبدالعزیز حکیم که همراه ما بود، گفت: «من خیال شهید شدن ندارم و می‌خواهم بعد از سقوط صدام، سفیر عراق در تهران شوم، ولی اخوی(منظورش سیدمحمدباقر حکیم بود) خیلی میل دارد که شهید شود و همیشه به دنبال شهادت است!» مسافر به فاو، بسیار در روحیه اعضای مجلس اعلا تأثیر گذاشت و سفر بسیار خوبی بود. نظامیان عراق که از حضور اعضای مجلس اعلا در فاو باخبر شده بودند، پل روی رودن را بمباران کردند، اما خوشبختانه کسی صدمه‌ای ندید و همه سالم به تهران بازگشتند. **با تشکر از فرصتی که در اختیار ما قرار دادید.**